



عهد و گفتگو

تفسیر هفتگی تورات

از درسگفتارها و نوشتارهای ربای لرد جانانان ساکس

Jonathan Sacks
THE RABBI SACKS LEGACY

با سپاس از Schimmel Family برای حمایت سخاوتمندانه از عهد و گفتگو به نیکوداشت یاد Harry (Chaim) Schimmel. "من از همان بار اول که با نسخه تفسیر توراہ ربای خیم شیمل روبرو شدم تا اکنون، آنرا عزیز داشته ام. هدف آن نه فقط نشان دادن حقیقت ظاهری متن توراہ، بلکه رسیدن به حقیقت ژرفتری است که در آن نهفته است. او به همراه همسر ستودنی اش آنا در شصت سال زندگی مشترک، یک زندگی سرشار از عشق به خانواده، اجتماع و تورات ساختند. زوج بیمانندی که با نمونه زندگی خود، بینهایت الهام بخش من بوده اند."

"- ربای ساکس

مجموعه مقالات امسال در ابتدا توسط زنده نام ربای ساکس در سال ۵۷۷۲ (۲۰۱۱-۲۰۱۲) نوشته شده است.

تفسیر هفتگی توراہ

Ki Teitse

Letting Go of Hate

کی تیتسه: کنار گذاشتن نفرت

تاریکی نمی تواند تاریکی را از میدان به در کند: این کار تنها از نور برمی آید. نفرت نمی تواند نفرت را از میان بردارد: تنها مهر می تواند چنین کند. نفرت موجب افزایش نفرت می شود، خشونت بر خشونت می افزاید و سختگیری، سختگیری را افزون می کند. مارتین لوتر کینگ

به نظر من یکی از دلایلی که آدم ها به نفرت اینقدر لجوجانه می چسبند، این است که حس می کنند اگر نفرت از میانه برود، مجبور خواهند شد با درد خود رویاروی شوند. جیمز آرتور بالدوین

آیه ای هست در پاراشای کی تیتسه که معنای آن اهمیت بسیار دارد. اما از آنجا که میان چند قانون مختلف درباره ارث، پسران سرکش، بدعهدی در ازدواج و بردگان فراری آمده، به سادگی از دید پنهان می ماند. موسی بدون هیچ تأکید یا پیشدرآمدی، دستوری چنان نامنتظر بیان می کند که باید چند بار بخوانیم تا به منظور آن پی ببریم:

از یک ادومی نفرت نداشته باش، زیر او برادر تو است. از یک مصری متنفر نباش، زیرا در سرزمین او غریب بودی. تثییه ۲۳:۸

در پیش زمینه توراتی چنین سخنی چه معنایی دارد؟ مصریان دوران موسی، بنی اسرائیل را به بردگی گرفته، "زندگی را بر آنها تلخ نموده بودند"، با ستمگری بر آنان حکومت می کردند، آنها را به کار اجباری و بردگی و به خوردن نان مصیبت واداشته بودند. آنها طرح نسل کشی یهودیان را ریختند و فرعون به افراد خود دستور داد تا "هر نوزاد ذکور بنی اسرائیل را در رودخانه بیندازند." (خروج ۱:۲۲).

اینک چهل سال بعد، موسی چنان سخن می گوید که گویی چنین اتفاق هایی نیفتاده بود و بنی اسرائیل به خاطر مهمان نوازی، مديون مصریان بودند. اما او و قومش آنجا بودند [در بیابان] زیرا از آزار مصریان می گریختند. همچنین او نمی خواست که قوم، آن دوران را فراموش کند. برعکس، از آنها خواسته بود که داستان خروج از مصر را هر سال به گونه ای بازگو کنند که گویی در حال خروج از مصر بودند، و با خوردن سبزی های تلخ و نان و درآمد نشده آنها بازسازی کنند تا خاطره اش به نسل های بعدی انتقال یابد. منظور موسی این بود که اگر مایل به پاسداری از آزادی خود هستید، هرگز فراموش نکنید که از دست دادن آن چگونه است. اما او در ساحل رود اردن در مورد نسل های آینده به مردم خود می گوید "از مصریان متنفر نباش." در این آیه چه می گذرد؟

برای آزاد بودن باید از نفرت دست بکشید. این جان کلام موسی است. اگر بنی اسرائیل به نفرت ورزی از دشمن سرسخت خود ادامه می دادند، شاید موسی آنها را از مصر خارج می کرد، اما مصر را از آنها خارج نمی ساخت. در آن صورت از نظر ذهنیت، آنها در مصر و برده گذشته باقی می ماندند. همچنان در زنجیر اسارتی می ماندند که نه فلزی، بلکه ذهنی بود — و زنجیرهای ذهن، اسیرکننده ترین زنجیرها هستند.

نمی توان جامعه ای آزاد را بر پایه نفرت بنا گذاشت. نفرت، خشم، حس حقارت، حس قربانی بودن و میل به احساس غرور در اثر آسیب رساندن به ستمگران پیشین خود — این شرایط، حاکی از ژرفای نبود آزادی است. منظور موسی این بود که شما باید با گذشته زندگی کنید، اما در گذشته زیست نکنید. کسانی که اسیر خشم علیه ستمگران پیشین خود هستند، هنوز در اسارت به سر می برند. آنها بی که اجازه می دهند دشمنانشان آنها را تعریف کنند، هنوز به آزادی نرسیده اند.

در پنج کتاب موسی بارها به خروج از مصر و دستور به یاد داشتن آن برمی خوریم: "باید به یاد بسپاری که در مصر برده بودی." اما هرگز از آن همچون دلیل نفرت، مقابله به مثل و انتقام استفاده نکن. این یادآوری همواره چون منطق جامعه ای عادلانه و پرشفقتی بیان می شود که بنی اسرائیل دستور برپایی آنرا دریافت کرده اند: نظمی جایگزین و در تضاد با مصر. پیام نهفته در آن چنین است: دستکم در مورد اعضای قوم خود بردگی را محدود کنید. آنها را به بردگی نگیر. هر هفت روز به آنان آزادی و استراحت بده. آنها را هر هفت سال یک بار آزاد کن. آنان را مانند خود بدان و نه همچون هستی هایی فرودست. هیچ کس به دنیا نیامده که برده باشد.

با سخاوت به تهیدستان کمک کن. بگذار که از باقیمانده کشت تو بخورند. حاشیه های مزارع خود را برای آنها درونشده باقی بگذار. برکت های خود را با آنها تقسیم کن. کسی را از امرار معاش بازندار. کل ساختار قوانین تورات از تجربه بردگی در مصر ریشه گرفته است، چنان که بگوید: در قلب خود می دانی که قربانی آزار بودن چه معنایی دارد، پس دیگران را میازار.

اخلاق توراتی بر پایه نقش های معکوس شده مداوم و استفاده از حافظه همچون نیرویی اخلاقی استوار است. در کتاب های شموت و دواریم [خروج و تثئیه] به ما دستور داده شده که حافظه را نه برای زنده نگه داشتن نفرت، بلکه برای پیروزی بر آن از راه یادآوری طعم قربانی بودن به کار بیندیم. "به یاد بیاور" اما نه برای زیستن در گذشته، بلکه برای بازداری از تکرار گذشته.

تنها این گونه می توانیم جزئیات مبهم روایت خروج را درک کنیم. هنگام نخستین رویارویی موسی با خدا در برابر بوته فروزان، به او رسالت آزاد کردن قوم از بردگی سپرده شد. آنجا خدا تبصره ای عجیب می آورد:

من نظر مصریان را به این قوم مساعد خواهم ساخت تا هنگام خروج دست خالی نروید. هر زنی از همسایه اش یا زنی که در خانه اش خدمت می کند، اشیایی از نقره یا طلا و پوشاک درخواست می

کند تا به دختران و پسران خود بپوشانید. خروج ۲۱-۲۲:۳

این کلام دو بار در باب های بعدی تکرار می شود (خروج ۱۱:۲ و خروج ۱۲:۳۵). با این همه خلاف جهت روایت توراتی است. از سفر پیدایش (۱۴:۲۳) تا کتاب استر (۱۰، ۱۵، ۱۶:۹) گرفتن غنیمت از دشمنان و

غارت کردن آنها زشت دانسته شده است. این کارها در مورد بت پرستان یکسره ممنوع است: اموال آنها حرام و تابو بوده، باید نابود گردند، نه این که تصاحب شوند (تثنیه ۷:۲۵؛ ۱۶:۱۳).

در دوران یهوشوع، زمان که اخان از شهر ویران شده یریخو غنیمت برداشت، کل قوم مجازات شدند. افزون بر این، به یاد بیاوریم که برای طلاها چه اتفاقی افتاد؟ بنی اسرائیل دست آخر آنرا برای ساختن گوسالۀ طلایی به کار بردند. پس چرا در این مورد خاص، یهودیان دستور داشتند که از مصریان هدیه درخواست کنند؟ تورات پاسخ را در قانونی که بعداً در تثنیه پیرامون آزاد کردن بردگان می آید، بیان می کند:

اگر یک همکیش عبرانی، مرد یا زن، خود را به تو برای خدمتکاری فروخت و شش سال به تو خدمت کرد، در سال هفتم باید او را آزاد سازی. هنگام آزاد ساختنش، او را دست خالی روانه نکن. داوطلبانه از گله، آرد و شراب خود به او توشه بده. همان گونه که خداوند، خدای تو برکت کرده، به او برکت بده. به یاد بیاور که برده بودید در مصر و خداوند، خدای تو آزادتان کرد. از این روی این دستور را می دهم. تثنیه ۱۲-۱۵:۱۵

روایت بردگی به یک نقطۀ پایان [حُسن ختام] نیاز دارد. یک برده برای دستیابی به آزادی باید قادر به پشت سر گذاشتن احساس های دشمنانه نسبت به ارباب سابق خود باشد. او نباید با احساس بیزاری و خشم، حقارت یا ناچیزی آنجا را ترک گوید، و گرنه رها می شود، اما آزاد نمی گردد. او جسماً آزاد خواهد بود، ولی ذهن او در بردگی می ماند. اصرار بر روی توشۀ راه دادن، نشانگر بصیرتِ روانشناختیِ تورات در مورد زخمِ بازِ بردگی است. باید یک کنشِ سخاوت از سوی ارباب اجرا شود تا برده بدون احساس بد آنجا را ترک کند. بردگی بر روی روح انسان زخمی باقی می گذارد که باید درمان و بسته شود.

وقتی خدا به موسی در مورد گرفتن هدیه های توشۀ راه از مصریان دستور داد، مانند آن بود که بگوید: بله! مصریان شما را به بردگی گرفتند، اما این امر دارد به گذشته می پیوندد. دقیقاً چون می خواهم گذشته را به یاد داشته باشید، مهم است که بدون نفرت یا حس انتقام چنین کنید. آنچه بعدها به یاد خواهید آورد، درد برده بودن است، نه خشمی که نسبت به اربابان خود حس می کنید. باید یک کنش پایان بخش و نمادین اجرا شود. چنین کنشی نمی تواند اجرای عدالت به معنای کامل آن باشد: چنان عدالتی یک هیولا خواهد بود و میل به آن بی پایان و ویرانگر. هیچ راهی برای برای زنده ساختن مرده یا جبران سال های نداشتن آزادی

نیست. اما یک ملت نمی تواند گذشته را انکار و آنرا از حافظه خود حذف کند. اگر بخواهند چنین کنند، گذشته دوباره بازمی گردد - همان مفهوم فرویدی بازگشت امر پس زده شده در ناخودآگاه - و آنگاه به نام انتقام والای انسان دوستان، آسیب مهیبی می رساند. از این روی، صاحب سابق برده باید به برده سابق توشه راهی بدهد و او را انسانی آزاد بداند که هرچند بدون اختیار خود، اما به بهروزی او کمک کرده است. این به معنای تسویه حساب نیست، بلکه یک شکل حداقلی از جبران است که امروزه به آن "عدالت ترمیمی" می گویند.

نفرت و آزادی نمی توانند همزیستی کنند. یک ملت آزاد از دشمنان سابق خود متنفر نیست. یک ملت برای خلق جامعه ای مسالمت آمیز پس از دوران بردگی، باید زنجیرهای گذشته را از هم بگسلد؛ حافظه را از زهر آن بزدايد؛ درد را به انرژی سازنده ارتقا دهد و از آن قاطعیت برای ساختن آینده ای متفاوت بسازد.

آزادی شامل رهاکردن نفرت است، زیرا نفرت، آزادی را به اسارت می گیرد. نفرت فراقتنی تناقض های ما به نیرویی بیرونی است که آنرا سرزنش می کنیم، اما این کار به قیمت انکار مسئولیت ما تمام می شود. یام موسی به کسانی که در آستانه ورود به سرزمین موعود بودند، از این قرار است: یک جامعه آزاد تنها توسط مردمی خلق می شود که مسئولیت آزادی را می پذیرند، یعنی فاعلانی که نمی خواهند خود را مفعول ببینند؛ مردمی که خود را با عشق خداوند تعریف می کنند، نه با نفرت از دیگری. موسی می گوید: "از مصریان متنفر نباش، زیرا غریب بودید در سرزمین آنان." یعنی برای آزاد بودن باید نفرت را از میانه برداری.

شبات شالوم

ترجمه فارسی با مشارکت بنیاد ایرانی هارامبام، وابسته به فدراسیون یهودیان ایرانی-آمریکایی

توسط شیرین دخت دقایان

Persian Translation by Shirin D. Daghighian



www.RabbiSacks.org @RabbiSacks

The Rabbi Sacks Legacy Trust, PO Box 72007, London, NW6 6RW • +44 (0)20 7286 6391 • info@rabbisacks.org

© Rabbi Sacks • All rights reserved